

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

**(بن مایه های اساطیری برخی از حکایت های مرزبان نامه)**

استاد راهنما:

دکتر فرانک جهانگرد

استاد مشاور:

دکتر علیرضا شعبانلو

پژوهشگر:

سمانه کشاورز دهنوی

اردیبهشت ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

بسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۰

پایان نامه تحصیلی خانم سمانه کشاورز دهنوی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان:

### بن مایه های اساطیری برخی از حکایت های مرزبان نامه

را بررسی کردند و پایان نامه با نمره ۱۹ و درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- |      |                              |
|------|------------------------------|
| امضا | ۱. استاد راهنمای پایان نامه، |
| امضا | ۲. استاد مشاور پایان نامه،   |
| امضا | ۳. استاد داور پایان نامه،    |
| امضا | ۴. رئیس پژوهشکده،            |
| امضا | ۵. مدیر تحصیلات تکمیلی،      |

«شکر و سپاس و ستایش بی‌قیاس و حمد بی‌نهایت و ثنا و مدح بی‌غایت، آفریدگار مصنوعات و صانع مخلوقات را تعالی و تقدّست صفاته. آن خداوندی که بی‌غرض و علّت و طلب فایده و خیریت، بلکه به محض کرم و کمال عنایت و لطف و اظهار قدرت بی‌نهایت، عالم را بیافرید و به انواع غرایب و بدایع آن را مخصوص گردانید.»

بعد از سپاس از ایزد منّان بر خود لازم می‌دانم از همهٔ عزیزانی که در امر نگارش این اثر مرا یاری کردند قدردانی به عمل آورم.

در ابتدا از **سرکار خانم دکتر جهانگرد** که زحمت راهنمایی پایان‌نامه را برعهده داشتند به‌دلیل لطف بی‌دریغ و سعهٔ صدرشان کمال تشکّر را دارم. بدون پیگیری‌های ایشان این اثر به‌نحو مطلوبی به پایان نمی‌رسید. همچنین از **جناب آقای دکتر شعبانلو** که در مقام مشاور این پژوهش نکات ارزنده‌ای را یادآور شدند بسیار سپاسگزارم زیرا این نکات راه‌گشا بوده و پایان‌نامه را در مسیری درست هدایت کرده‌است. از خانوادهٔ عزیزم که در تمام دوران تحصیل همراه و پشتیبان من بودند نیز بسیار سپاسگزارم. همراهی ایشان همواره مایهٔ دلگرمی و مشوّق من در طیّ مسیر و به انجام رساندن آن بوده‌است.

تقدیم به:

کوه صبر...

دریای آرامش...

مادرم

**چکیده:** بن‌مایه‌های اساطیری گوناگون درمرزبان‌نامه به عنوان یک متن ادبی وجود دارند. ادبیات بخش عمده فرهنگ هر ملت است و اساطیر نیز در فرهنگ متجلی می‌شوند. بدین منظور به سه بن‌مایه اساطیری با عناوین «دیو»، «اژدها - مار» و «شاه» در حکایات این متن پرداخته شده است. روش کار بدین صورت است که معانی و تعابیر مختلف بن‌مایه‌های مذکور در گستره اساطیر جهانی و سپس در ایران و همچنین روند تغییر و تحول آن‌ها بررسی شده و در نهایت با نقش بن‌مایه‌های موجود در متن مقایسه کرده‌ایم. گرچه در بررسی‌های اساطیری معمول است که از یک دیدگاه و از نقطه نظر خاصی به موضوع مورد نظر می‌پردازند اما در این پژوهش سعی بر این بوده تا با دیدی تلفیقی به بن‌مایه‌ها پرداخته شود چرا که معنی کردن و تعبیر از یک دیدگاه را جامع و کامل ندانسته و عقیده بر این بوده است که این جامع‌نگری به درک بهتر مفاهیم منجر می‌شود. بررسی متون از دیدگاه اسطوره‌ای و نقد آن، خوانشی جدید از متن ارائه می‌دهد که درک بهتر آن را میسر می‌سازد و در شناخت هرچه بیشتر عنصری از فرهنگ ما را یاری می‌رساند.

## فهرست مطالب

### چکیده

۰ و

### فصل اول: مقدمه

۶-۱

۲

۱-۱. تعریف مسأله

۴

۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش

۴

۱-۳. سؤال‌های پژوهش

۴

۱-۴. فرضیه‌های پژوهش

۵

۱-۵. اهداف پژوهش

۵

۱-۶. قلمرو پژوهش

۵

۱-۷. پیشینه پژوهش

۱۸-۷

### فصل دوم: کلیات

۸

۲-۱. اسطوره در لغت

۹

۲-۲. اسطوره از دیدگاه‌های گوناگون

۱۲

۲-۳. اسطوره‌شناسی

۱۳

۲-۴. فایده و کارکرد اسطوره

۱۳

۲-۵. اسطوره و ادبیات

۱۴

۲-۶. مرزبان‌نامه

۱۵

۲-۶-۱. موضوع مرزبان‌نامه

۱۱۷-۱۹	فصل سوم:
۵۸-۱۹	بخش اول: شاه
۳۸-۲۰	پاره اول: فره
۲۲	۳-۱-۱-۱. فره و معادل‌های آن
۲۶	۳-۱-۱-۲. فره در منابع ایران باستان
۳۰	۳-۱-۱-۳. فره در دوران اسلامی
۳۲	۳-۱-۱-۴. فره در مرزبان‌نامه
۳۲	۳-۱-۴-۱. داستان خرّه نماه با بهرام گور
۳۶	۳-۱-۱-۵. نتیجه‌گیری
۵۸-۳۹	پاره دوم: میرنوروزی
۴۵	۳-۱-۲-۱. قربانی شاه
۴۷	۳-۱-۲-۲. ایزد شهید شونده
۴۸	۳-۱-۲-۳. میرنوروزی در مرزبان‌نامه
۴۸	۳-۱-۲-۳-۱. داستان آهنگر با مسافر
۵۱	۳-۱-۲-۳-۲. داستان غلام و بازرگان
۵۶	۳-۱-۲-۳-۳. داستان پادشاه با منجم
۵۸	۳-۱-۲-۴. نتیجه‌گیری
۸۳-۵۹	بخش دوم: اژدها - مار
۶۱	۳-۱-۲-۱. اژدها در اساطیر غیرایرانی
۶۴	۳-۱-۲-۲. مار در اساطیر غیرایرانی



- ۶۹ ۳-۲-۳. اژدها و مار در اساطیر ایرانی
- ۶۹ ۳-۲-۳-۱. مار در ایلام و جیرفت
- ۷۰ ۳-۲-۳-۲. اژدها و مار در اوستا و متون پهلوی
- ۷۳ ۳-۲-۴. اژدها و مار در مرزبان‌نامه
- ۷۳ ۳-۲-۴-۱. اژدها در مرزبان‌نامه
- ۷۳ ۳-۲-۴-۱-۱. حکایت هنبوی با ضحاک
- ۷۴ ۳-۲-۴-۱-۲. داستان شهریار بابل با شهریارزاده
- ۷۴ ۳-۲-۴-۱-۳. بررسی دو حکایت
- ۷۷ ۳-۲-۴-۲. مار در مرزبان‌نامه
- ۷۷ ۳-۲-۴-۱-۲. داستان برزیگر با مار
- ۷۷ ۳-۲-۴-۲-۲. داستان موش و مار
- ۷۸ ۳-۲-۴-۲-۳. داستان جولاهه با مار
- ۷۹ ۳-۲-۴-۲-۴. داستان مارافسای و مار
- ۸۰ ۳-۲-۴-۲-۵. داستان برزگر با گرگ و مار
- ۸۰ ۳-۲-۴-۲-۶. بررسی حکایات
- ۸۲ ۳-۲-۵. نتیجه‌گیری

#### ۱۱۷-۸۴

#### بخش سوم: دیو

- ۸۶ ۳-۳-۱. معانی مختلف دیو
- ۸۶ ۳-۳-۱-۱. دیو به معنی خدا یا خدایان مورد پرستش (دوره پرستش دیوان)
- ۸۷ ۳-۳-۱-۲. دیو به معنی خدا یا خدایان دشمن
- ۹۰ ۳-۳-۱-۳. دیو به معنی اهریمن و آفریده‌های او
- ۹۲ ۳-۳-۱-۴. دیو به معنی مردم

۹۳	۵-۱-۳-۳. دیو به معنی موجودی مافوق طبیعی
۹۵	۶-۱-۳-۳. دیو به عنوان صفات و ویژگی‌های زشت انسان
۹۵	۲-۳-۳. ویژگی‌ها و خویشکاری دیوان
۹۶	۱-۲-۳-۳. جایگاه دیوان
۹۷	۲-۲-۳-۳. مقابله با دیوان
۹۹	۳-۳-۳. دیو در مرزبان‌نامه
۱۰۰	۱-۳-۳-۳. داستان آهنگر با مسافر
۱۰۰	۲-۳-۳-۳. داستان دیو گاوپای و دانای دینی
۱۰۱	۳-۳-۳-۳. ویژگی‌های دیو در حکایت اول
۱۰۵	۴-۳-۳-۳. ویژگی‌های دیو در حکایت دوم
۱۰۹	۱-۴-۳-۳-۳. جزئیات متن
۱۰۹	۱-۱-۴-۳-۳-۳. مکان
۱۱۰	۲-۱-۴-۳-۳-۳. در مورد نام دو شخصیت
۱۱۳	۴-۳-۳. دیو آز و دیو خشم
۱۱۷	۵-۳-۳. نتیجه‌گیری
۱۱۸-۱۲۱	فصل چهارم: نتیجه‌گیری
۱۲۲-۱۲۸	کتابنامه
۱۲۹	چکیده انگلیسی



فصل اول: مقدمه

## ۱-۱. تعریف مسأله:

اسطوره مقوله‌ای فرهنگی است که با عناصر دیگری از فرهنگ مانند زبان، دین و... و همچنین با برخی علوم همچون روانشناسی، زبان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و... پیوند دارد که می‌توان از این ارتباط بهره جست و تعریفی برای آن ارائه داد. در قرون اخیر توجه به اساطیر هر ملت و وجود تشابهات و اشتراکات میان اساطیر ملل مختلف باعث پیدایش و رونق علم اسطوره‌شناسی شده است اما از آنجا که اسطوره از دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است یافتن تعریفی واحد برای آن و همچنین توضیح علم اسطوره‌شناسی کاری دشوار می‌نماید، از این رو سعی بر این است با معرفی مکاتب مهم در این حوزه و ارائه تعریف آن‌ها از اسطوره به توضیح این واژه بپردازیم. واضح است که توضیح همه مکاتب و ارائه همه دسته بندی‌ها در این جستار نمی‌گنجد و نیاز به پژوهشی جداگانه در این مورد خاص است.

از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که به بررسی اسطوره پرداخته و پیروان بسیاری دارد، دیدگاه روانکاوی است. این رویکرد از فروید آغاز می‌شود و یونگ نیز آن را گسترش می‌دهد. فروید معتقد است ذهن انسان به خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم می‌شود و اسطوره، آرزوهای فروخورده انسان است که در بخش ناخودآگاه جاگرفته و گهگاه در طول زندگی وی در رؤیایش متبلور می‌شود. اما یونگ اعتقاد دارد ناخودآگاه خود به دو دسته فردی و جمعی تقسیم شده و اسطوره مربوط به ناخودآگاه جمعی انسان‌ها است. وی ذهن انسان را هنگام تولد، حامل تجربیات میلیون‌ها ساله گذشتگان خود می‌داند که کهن‌الگو نام دارد. این کهن‌الگوها می‌توانند در طول زندگی انسان بنا به عوامل مختلف متبلور شده و جلوه نمایند اما دسترسی به منشأ آن‌ها غیر ممکن است.

از دیگر دیدگاه‌های رایج، دیدگاه میرچا الیاده موسوم به پدیدارشناسی است. وی اسطوره را دین و آیین و اعتقاد مردمان گذشته در مورد موجودات مافوق طبیعی می‌داند و معتقد است اسطوره، نظر پیشینیان را در مورد دین می‌رساند.

لوی استروس دیگر اسطوره‌شناس مطرح است که از دیدگاه ساختارگرایی به اسطوره می‌نگرد. وی با الهام از مبانی زبان‌شناسی دوسوسور، نظریه خود را شکل داد. استروس با استخراج عناصر ثابت در زبان که آن‌ها را واحداستوره می‌نامید، و روابط میان آن‌ها به ساختار دست یافت. به بیان ساده می‌توان گفت از نظر او هر عنصر قابل بررسی دارای ژرف‌ساخت و روساختی است و معنای اصلی اسطوره در ژرف‌ساخت نهفته است زیرا روساخت، در طی زمان در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد و نکته مهم رابطه مبتنی بر تضاد این عناصر ثابت و واحداستوره‌هاست که به وسیله آن می‌توان به تفسیر موضوع یا اسطوره مورد نظر پرداخت.

هر کدام از این مکاتب نیز به شاخه‌های دیگری تقسیم می‌شوند به اضافه این‌که از دیدگاه‌های فراوانی از جمله زبان‌شناسی، فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی و... به این موضوع پرداخته می‌شود و همچنین تقسیم بندی‌های گوناگون دیگری که از نقطه نظری خاص به این مسأله می‌پردازند، همه این موارد گویای جامعیت و گستردگی این حوزه است که توصیف همه این موارد از حوصله بحث خارج است.

از دیدگاه ما اسطوره به طور کلی فرهنگ، علم و جهان‌بینی گذشتگان است. انسان در هر زمینه‌ای اطلاعاتی را به وسیله تجربه کسب کرده و آن را به دوره بعد منتقل می‌کند، انسان دوره بعد نیز چیزی به آن اضافه کرده و به دوره بعدی خود منتقل می‌کند و بدین صورت ایجاد علم و تکامل آن ممکن می‌شود. با آزمون و خطا می‌توان صحت و سقم آن را نیز به تدریج مشخص کرد. این بخش در مورد علم است همچنین باید اشاره کرد که انسان در کسب این تجربه‌ها از تخیل خود کمک گرفته و به تحلیل و تفسیر می‌پردازد. تصور بر این است انسان ابتدایی در مورد طبیعت، خود انسان و ماورایی که آن را درک می‌کرده و همچنین رابطه آن‌ها تفکر کرده و در پی آن سؤال‌هایی برای او ایجاد شده است. سؤال‌هایی که همواره در طول تاریخ ذهن انسان را به خود مشغول داشته و پاسخ‌های گوناگون به آن موجب شناخت هرچه بیشتر را فراهم آورده است. این سیر تفکر و اندیشه منبعی مهم برای به وجود آمدن اساطیر است. اساطیر در فرهنگ هر ملت جلوه‌گر است و بخشی از آن را می‌سازد. ادبیات که بخش عمده فرهنگ یک ملت را تشکیل می‌دهد منبعی مهم برای بررسی اساطیر است. بدین‌منظور ما متنی را انتخاب کرده و چند بن‌مایه مهم اساطیری را در آن

بررسی کرده‌ایم. متن مورد نظر ما مرزبان‌نامه است. این متن که حاوی حکایات ایرانی در نه باب اصلی است در قرن هفتم هجری میان سال‌های ۶۱۷ - ۶۲۲ از زبان طبری باستان به زبان فارسی ترجمه شده است. این ادعای مترجم کتاب سعد الدین وراوینی در مقدمه متن مزبور می‌باشد. همچنین از مرزبان‌نامه ترجمه دیگری موجود است که پیش از این ترجمه، در سال ۵۹۸ ه. ق نگاشته شده است. مترجم آن کتاب، محمد غازی ملطیوی نام اثر خود را روضه العقول نامیده است.

## ۲-۱. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش:

همان‌گونه که در بخش پیشین یادآور شدیم، تجلی بن‌مایه‌های اساطیری را می‌توان در آثار ادبی مشاهده کرد بدین علت که ادبیات بخشی از فرهنگ است و اسطوره نیز در مقوله‌ای فرهنگی است. در این پژوهش مرزبان‌نامه به عنوان یک اثر ادبی که حاوی داستان‌های ایرانی است، قابلیت بررسی از دیدگاه اسطوره‌ای را دارد. بررسی از دیدگاه اساطیری خوانشی جدید از متن ارائه خواهد داد و این خوانش جدید به فهم بهتر متن و درک بیشتر گوشه‌ای از فرهنگمان ما را یاری خواهد کرد.

## ۳-۱. سؤال‌های پژوهش:

۱. نمادها چه نقشی در حکایات ایفا می‌کنند؟
۲. کدام یک از بن‌مایه‌های اساطیری در مرزبان‌نامه بیشتر تجلی یافته‌اند؟ چرا؟

## ۴-۱. فرضیه‌های پژوهش:

۱. نمادها گاه در نقش کنشگر ظاهر می‌شوند و گاه بعضی از داستان‌ها، کنش‌های نمادین دارند.
۲. مرزبان‌نامه پندنامه‌ای است که برای شاهان نوشته شده است. با توجه به موضوع آن عموم مسائلی که در متن مطرح می‌شود با شخصیت شاه یا اموری که به وی مرتبط است پیوند دارد. علاوه بر این که شاه از بن‌مایه‌های مهم اساطیری در سطح جهان است که همواره کانون توجه اسطوره‌شناسان بوده است. گاه موضوعات فرعی مربوط به این اسطوره آنقدر اهمیت می‌یابد که خود شاخه‌ای جداگانه در این نوع تحقیقات محسوب می‌شود. همه این عوامل باعث شد که مهم‌ترین موضوع بررسی در این پژوهش، شخصیت «شاه» باشد. برای درک بهتر این شخصیت ما دو بن‌مایه مهم و مرتبط با آن را که در متن مورد نظر نیز نمود فراوانی دارد، برگزیدیم. بن‌مایه‌های «فرّه» و «میر نوروزی» در قسمت بررسی شخصیت شاه، منتخب برای این جستار بوده است که هم موضوع اصلی چند حکایت است و هم جلوه‌گر در عبارات و ترکیبات متن. دو

بن‌مایه دیگر نیز با عناوین «دیو» و «اژدها - مار» در بخش‌های جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌است.

#### ۵-۱. اهداف پژوهش:

بررسی متون از دیدگاه‌های گوناگون، میزان درک بهتر از متن را افزایش می‌دهد و در نهایت استخراج مسائل گوناگون را از تاریخ فرهنگی یک ملت میسر می‌سازد. این جستار نیز همین هدف را دنبال می‌کند بدین معنی که در پی خوانشی جدید از متن برای درک هر چه بهتر آن است.

#### ۶-۱. قلمرو پژوهش:

این پژوهش از حوزه فرهنگی ایران و متنی متعلق به قرن هفتم هجری است که از دیدگاه اساطیری آن را بررسی می‌کند.

#### ۷-۱. پیشینه پژوهش:

برخی از حکایت‌های مرزبان‌نامه پیش از این نیز از دیدگاه اساطیری مورد بررسی قرار گرفته‌است. ناهید اشرفی و سید احمد پارسا مقاله‌ای با عنوان «بن‌مایه‌های اساطیری - آیینی داستان خرّه‌بماه و بهرام گور» (۱۳۸۷) نگاشته‌اند و ردّ پای جشن‌ها و آیین‌ها و ارتباط آن‌ها با اساطیر به ویژه اسطوره آفرینش را پی گرفته‌اند. حکایت مزبور که در بخش «فرّه» مورد نظر ما بوده از دیدگاه اساطیری اما با رویکرد دیگری مورد بررسی قرار گرفته ضمن این که مؤلفان واژه خرّه‌نامه در متن را خرّه‌بماه خوانده و دلایلی را برای نگارش آن ذکر کرده‌اند که ما همان نگارش اصلی را مدّ نظر داشته‌ایم.

مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقد اسطوره‌گرایی باب دیو گاوپای و دانای دینی» (۱۳۹۰) توسط الهام خلیلی جهرمی و شیرین رزمجو بختیاری نوشته شده که به توضیح اساطیری این حکایت پرداخته‌اند و مقایسه‌ای تطبیقی میان شخصیت‌های داستان و برخی اشخاص اسطوره‌ای و تاریخی صورت داده‌اند که البته یکی از شخصیت‌های پیشنهادی یعنی یوشت فریان پیش از این نیز توسط مرحوم دکتر معین مورد بررسی قرار گرفته‌است. این حکایت نیز از جمله حکایاتی است که در این جستار مدّ نظر ما بوده که در بخش «دیو» بدان پرداخته و مواردی را مورد توجه قرار داده‌ایم که پیش از این بررسی نشده‌است. پیش از این رساله‌ای کوچک با نام «یوشت فریان و مرزبان‌نامه» توسط مرحوم معین نوشته شده‌است که حکایت مذکور را با رساله پهلوی «ماتیکان یوشت فریان» مقایسه کرده‌است.

حکایت «جولاهه با مار» در دو مقاله جداگانه و از دو نقطه نظر اساطیری متفاوت از هم مورد بررسی قرار گرفته‌است. یکی مقاله «تحلیل ساختاری داستان جولاهه با مار بر پایه نظریه گریماس» (۱۳۹۱) نوشته محمود فضیلت و صدیقه نارویی و دیگری «تحلیل کهن‌الگویی حکایت



جولاهه با مار مرزبان‌نامه» (۱۳۹۲) به قلم قاسم صحرائی و نوش آفرین کلانتر است. با توجه به این که حکایت مذکور در بخش «اژدها - مار» در این پژوهش نیز مورد بررسی قرار گرفته اما تفاوتی میان کار فعلی و دو مقاله قبلی وجود دارد از جمله این که تمرکز ما تنها بر روی یک بن‌مایه مشخص بوده نه بررسی حکایت از نقطه نظر خاصی، این مسأله شامل مورد بعد نیز می‌شود چرا که حکایت غلام و بازرگان در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ساختاری - اسطوره‌ای حکایت غلام و بازرگان در مرزبان‌نامه» (۱۳۹۲) با رویکرد نقد ساختارگرایی مورد بررسی قرار گرفته در صورتی که ما تنها بن‌مایه «میر نوروزی» را مد نظر داشته‌ایم. نگارندگان مقاله مذکور میثم روستایی و نسرين علی اکبری می‌باشند.

آخرین مورد، مقاله «تحلیل بن‌مایه‌های اساطیری داستان شهریار بابل با شهریارزاده در مرزبان‌نامه» (۱۳۹۳) نوشته محمد رضا عابدی و حمیدرضا فرضی است. فرض نگارندگان بر این بوده که این داستان آیین‌ها و مراسم آشناسازی را در خود نمودار کرده اما در این جستار بن‌مایه اژدها و مار مورد توجه بوده است.

از توضیحات پیشین درخواهیم یافت که در پژوهش حاضر، از نقطه نظر خاصی برای تعریف اسطوره و تبیین مقولات اسطوره‌ای استفاده نشده و رویکردی تلفیقی مد نظر بوده است تا به دیدگاهی کامل‌تر و همه جانبه‌تر دست پیدا کنیم اما لازم به ذکر است که تمرکز تنها بر روی بن‌مایه‌های مورد نظر بوده نه تمام موارد اسطوره‌ای در حکایات و عبارات. امید است در آینده پژوهش‌های بیشتری در این زمینه بر روی متن صورت گیرد تا خوانش کامل‌تری را در دسترس دیگران و از جمله علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار دهد.

## فصل دوم: کلیات

هنگامی که به دنبال یافتن تعریفی مناسب برای واژه یا اصطلاح «اسطوره» و همچنین «علم اسطوره‌شناسی» به جستجو می‌پردازیم با انبوه تعاریف و توضیحاتی مواجه می‌شویم که هر کدام از زاویه‌ای به آن نگاه کرده و به تعریف این واژه پرداخته‌اند. شاید در ابتدا این تعاریف متعدّد ما را دچار سردرگمی کند و این سؤال را برای ما به وجود آورد که بالأخره کدام یک از این‌ها درست است. اما با کمی دقت بیشتر که می‌نگریم همه تعاریف را صحیح می‌یابیم که ایراد همه آن‌ها جامع و کامل نبودن است. همین امر ما را با مشکل مواجه می‌کند اما در نهایت ناگزیر به ارائه تعریفی مشخص هستیم. به منظور تبیین هرچه بیشتر موضوع، پیش از هرچیز ضمن بررسی واژه اسطوره، چند تعریف شناخته‌شده از مکاتب گوناگون و افراد شاخص را از نظر خواهیم گذراند و در آخر، تعریف منظور نظر خویش از اسطوره را ارائه خواهیم داد.

## ۲-۱. «اسطوره» در لغت

اسطوره واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی به کارگرفته شده‌است. در قرآن از این واژه استفاده‌شده و منظور از آن افسانه‌ها و دروغ‌های پیشین و پیشینیان است.<sup>۱</sup> این مسأله در قرآن تفسیر

---

<sup>۱</sup> به عنوان نمونه: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» : و هنگامی که به آنان گویند: پروردگارتان چه چیزهایی نازل کرده؟ می‌گویند: [چیزی نازل نکرده، آن چه به عنوان قرآن در دسترس مردم است، همان] افسانه‌های [دروغین] پیشینیان است (نحل، ۲۴)؛ «... حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» : ... تا آن‌جا که وقتی به محضرت می‌آیند با تو مجادله و ستیزه می‌کنند، کافران [از روی لجاجت] می‌گویند: این [قرآن] جز افسانه‌های پیشینیان نیست (انعام، ۲۵)؛ همچنین ر. ک انفال، ۳۱؛ مؤمنون، ۸۳؛ فرقان، ۵؛ نمل، ۶۸؛ احقاف، ۱۷؛ قلم، ۱۵؛ مطففین، ۱۳).

خود را دارد اما امروزه اسطوره به معنی افسانه و دروغ نیست و بررسی آن به صورت علمی درآمده که معادل‌هایی در زبان‌های مختلف دارد.

اسطوره، این واژه عربی خود وامواژه‌ای است از اصل یونانی *historia* به معنای استفسار، تحقیق، اطلاع، شرح و تاریخ؛ و از دو جزء ترکیب یافته‌است: یکی واژه *histor* به معنای داور و دیگری پسوند *-ia*. واژه *histor* با مصدر یونانی *idein*، به معنای دیدن، خویشاوند است. واژه‌های لاتینی *Vidēre*، به معنای دیدن، یونانی *eidēnai*، به معنای دانستن، سنسکریت *vidyā* و اوستا *vaēdya*، به معنای دانش و فارسی نوید، به معنای خبرخوش، مژده و بشارت، با این واژه هم‌ریشه‌اند. ریشه هند و اروپایی نخستین این واژه‌های خویشاوند *vid-* است. ... در زبان‌های اروپایی، واژه *myth* در انگلیسی و فرانسه و *myth* و *mythe* در آلمانی، از نظر محتوای معنایی، برابر واژه اسطوره و حالت جمع آن‌ها برابر واژه اساطیر در زبان پارسی است؛ و اصطلاح *mythology* در هر سه زبان، برابر اساطیر، علم الاساطیر یا اسطوره‌شناسی، در زبان ما است (بهار، ۱۳۷۵: ۳۴۳-۳۴۴).

## ۲-۲. «اسطوره» از دیدگاه‌های گوناگون

به دلیل ارتباط گسترده اسطوره‌شناسی با برخی علوم دیگر، این علم این قابلیت را دارد که از حوزه‌های گوناگون مورد بررسی قرارگیرد. دانشمندان و متخصصان حوزه‌های مرتبط نیز، هر کدام به‌نوبه خود به این مسأله پرداخته و تعاریفی برای اسطوره ارائه داده‌اند. برخی از این حوزه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. به عنوان مثال پرداختن به اسطوره از دیدگاه روانشناسی از رایج‌ترین دیدگاه‌هاست. فروید و یونگ از معروف‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه هستند تا جایی که کسانی که علاقمند به بررسی اسطوره از این رویکرد بوده‌اند همواره از پیروان این دو به‌شمار آمده‌اند.

فروید با ترکیب بخردانه کشفیات خود که از پژوهش‌های بالینی روان‌نژندها به‌دست آورده بود؛ تعبیرهایی که از معنای نمادها، توهمات و رؤیاها می‌کرد و مطالعاتش در زمینه تحقیقات مردم‌شناسی آن عصر که توسط فریزر، ر. اسمیت و دیگران انجام یافته بود، به نظریه تازه‌ای درباره اصل و منشأ دین و اساطیر رسید که بر مایه‌هایی اصلی چون جنایت نخستین، مردم‌خواری، آشفته‌گی جنسی و بر عوامل روانی وابسته به یکدیگر چون گناه، ترس و واخوردگی متکی بود. بنابر پژوهش‌های فروید، اسطوره به خودی‌خود ارزشی اندک دارد، هرچند اگر درست تعبیر شود، کلیدی گشاینده برای شناخت محتوای هر واخوردگی و تمایلات غریزی در اشخاص و گروه‌های قومی است (بهار، ۱۳۷۵: ۳۶۰).

اگر بخواهیم مکتب فروید را به بیان ساده بازگو کنیم باید بگوییم وی ذهن انسان را به دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم می‌کرد. بخش خودآگاه مربوط به تجربیاتی است که انسان از آن مطلع است اما بخش ناخودآگاه، آن قسمت از ذهن را تشکیل می‌دهد که خاطرات و تجربیات فراموش شده را در خود جای داده و اسطوره تبلور آن‌هاست. به بیان دقیق‌تر فروید معتقد بود ناخودآگاه حاوی احساسات فروخورده انسان است و برخی از این احساسات به ناچار در طول زندگی به نوعی بروزمی‌کنند که بستر اصلی تبلور آن در رؤیاست. اما یونگ با گسترش این دیدگاه به تدریج راهی جداگانه را سپرد. وی ناخودآگاه را به دو بخش ناخودآگاه فردی و جمعی قسمت کرد و تبلور اساطیر را از بخش جمعی ذهن می‌دانست نه احساسات فروخورده فردی. از نظر او ناخودآگاه جمعی حاوی تجربیات چند میلیون ساله انسان است و هر انسانی با تولد خود آن‌ها را به ارث می‌برد. این بدان معنی است که ذهن ما هنگام تولد خالی نیست و به صورت بالقوه در آن اندوخته‌ای گرانبها موجود است که در طول زندگی تجربیات فردی و اندک ما به این ذخیره ذهنی افزوده می‌شود. یونگ، این تجربیات انسانی به ارث رسیده را کهن‌الگو نامید و برای آن ساختاری را مشخص کرد و کهن‌الگوهای مکرر و جهانی را در قالب‌های خاصی تعریف کرد.

در واقع [کهن‌الگوها] یا کهن‌نمونه‌ها امواج دریای ژرف ناخودآگاه جمعی‌اند. برخی از کهن‌نمونه‌ها مثل آسمان پدر، زمین مادر، مفاهیمی جهانی‌اند و در سرزمین‌های دور از هم، بدون هیچ تأثیر متقابل تاریخی - اجتماعی، پدید آمده‌اند، ولی بونی مشترک دارند چون احساسی زیسته شده و تجربه شده‌اند. کهن‌نمونه‌ها در روان آدمی پنهان‌اند، بی‌آن‌که انسان از آن آگاه باشد. تنها گاه در خودآگاهی متجلی می‌شوند، آن هم به گونه‌ای نمادین. چون تنها صورت درک این کهن‌نمونه‌ها، گونه نمادین آن است. این نمادها در اسطوره‌ها، آیین‌ها، شعایر و مناسک و به طور کلی در رفتار انسان متجلی می‌شوند (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۵۱ - ۵۲).

بر همین اساس شاخه‌ای از نقد در این حوزه شکل گرفت.

نقد کهن‌الگوها با درنگ روی اثر، به بررسی مفهوم عناصر تشکیل دهنده آن می‌پردازد... [و این کار] را برای نمایش برخی کهن‌الگوهای نامیرا انجام می‌دهد که از زمان‌های بسیار دور، در انسان‌ها پژواک دارد و آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این کهن‌الگوها که در آثار ادبی مدام در حال تکرار شدن هستند، می‌توانند شخصیت‌ها، تصاویر، سمبل‌ها، موقعیت‌ها و زنجیره رخدادها باشند (موران، ۱۳۸۹: ۲۶۰ - ۲۶۱).

از نظر یونگ «منشأ [کهن‌الگوها] شناخته شده نیست، اما در تمامی ادوار و در همه‌جا به چشم می‌خورند، حتی در جاهایی که نتوان حضورشان را در تداوم نسل‌ها و آمیزش‌های نژادی ناشی از مهاجرت توضیح داد» (یونگ، ۱۳۹۲: ۹۶؛ همچنین ر. ک مدرسی، ۱۳۹۰: ۳۸۷).

به جز دیدگاه روانکاوی، دیدگاه‌های دیگری هم وجود دارند که به بررسی اسطوره پرداخته و به‌نوبه خود مهم و تأثیرگذار می‌باشند از جمله دیدگاه میرچا الیاده که موسوم به دیدگاه پدیدارشناسی است.

وی اسطوره را به عنوان یک باور دینی - آیینی تلقی می‌کند، یعنی اسطوره را مقوله‌ای حقیقی تصور می‌کند. بنا بر مکتب او، اسطوره عبارت است از روایتی در باب ایزدان، فرشتگان و به طور کلی در باب موجودات ایزدی و مافوق‌طبیعی (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۲: ۲۳). روش علمی الیاده هرمنوتیک (علم تأویل) تاریخی - دینی است. بر این اساس، هرمنوتیک برای کشف معانی و تأویل پیام‌های پنهان اسطوره‌ها، آیین‌ها و نمادها ضروری است و همچنین به درک روان‌شناسی ژرفانگر یاری می‌دهد و هم دوران تاریخی را که در آن به سر می‌بریم، به وضوح تحلیل می‌کند (جعفری، ۱۳۸۷: ۴۹).

از دیگر افراد شناخته‌شده این حوزه، یعنی بررسی اسطوره‌ها از دیدگاهی خاص، کلود لوی استروس است که با رویکرد ساختارگرایی به اسطوره‌ها می‌نگرد.

ساختارگرایی به عنوان یک نظریه مدون، با الهام از مبانی زبان‌شناسی سوسور، در سال ۱۹۵۸ با انسان‌شناسی ساختاری استروس مطرح شد. ساختارگرایی در پی کشف ساختار و نظام بنیادین اثر است. سوسور، زبان را به عنوان نظامی از نشانه‌های قراردادی مطالعه کرد که ارتباط میان نشانه‌ها مبتنی بر تضاد و تمایز است. استروس نیز در بررسی هر اسطوره ابتدا سعی می‌کرد عناصر نامتغیر و ثابت را استخراج کند و برای این کار از روابط مبتنی بر تضاد میان عناصر استفاده کرد. او عناصر ثابت و نامتغیری را که استخراج کرد، واحد اسطوره (اسطوره - واج)<sup>۲</sup> نامید و پس از استخراج واحدهای اسطوره، به تحلیل روابط مبتنی بر تضاد میان این واحدها پرداخت. این رابطه‌های متقابل و مبتنی بر تضاد، شبکه یا نظامی از روابط را تشکیل می‌دهند که «ساختار» نامیده می‌شود. در این ساختار، اجزا و عناصر یا همان اسطوره - واج‌ها شرکت ندارند بلکه تنها روابط متقابل و متضاد میان آن‌هاست که به ساختار شکل می‌دهد؛ به عبارت دیگر، ارتباط میان عناصر از خود عناصر مهم‌تر است؛ زیرا ساختار می‌تواند از ثبات و خصوصیت هم‌زمانی برخوردار باشد اما «عنصر» همواره در معرض دگرگونی‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. با این وصف، در مطالعه ساختارگرایانه ماده، عینیت و نقش فرد از «ساختار» زدوده می‌شود و ساختاری انتزاعی به دست می‌آید که می‌تواند تفسیرکننده دیگر پدیده‌ها و امور مشابه باشد (حسین پناهی و مالمیر، ۱۳۹۱: ۱۴۸ - ۱۴۹).